

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی؛ حکایات سلاطین

دکتر فیروز آزادی^۱

چکیده

تاریخ شفاهی بخش مهمی از تاریخ هر دوره محسوب می‌شود که می‌تواند کاستی‌های تاریخ‌های مکتوب را برطرف سازد. برای مثال، در بسیاری از کتاب‌های تاریخی به وضعیت اجتماعی و فرهنگ مردم توجه نشده است. اما در تاریخ شفاهی این مهم به چشم می‌خورد. حکایات و روایات سلاطین نیز اگرچه در بسیاری اوقات با واقعیات تاریخی در تضاد قرار می‌گیرند، اما در خصوص بخش‌هایی که راویان از تخیل بیشتری در روایت آن سود جستند، می‌توانند اساس ساخت برنامه‌های ترکیبی و داستانی قرار گیرند. در این مقاله ضمن بررسی وضعیت روایات و حکایات سلاطین و تاریخ شفاهی، قابلیت‌های برنامه‌سازی این دو بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ شفاهی، ادبیات شفاهی، قصه‌های عامیانه، حکایات،

حکایات سلاطین

مقدمه

حکایات سلاطین و تاریخ شفاهی، دو مقوله جدا هستند که هر یک می‌توانند در بررسی مقاطعی از تاریخ به کار آیند. از این دو، حکایات سلاطین بیشتر به حوادث و روایات مربوط به کانون اصلی قدرت می‌پردازد و تاریخ شفاهی، اگر چه از حوادث اصلی مربوط به تاریخ غافل نمی‌ماند، اما اساس آن ضبط روایات تاریخی غیرمکتوب است و از آنجا که مراکز اصلی قدرت، به‌طور معمول از طریق کاتبان و مورخان خود، حوادث را مکتوب می‌سازند، در نتیجه، تاریخ شفاهی، بیشتر به بازیگران فرودست جامعه می‌پردازد. از همین روست که برای مثال، در کنار منابع مهم دوره قاجار، روایات تاریخی مردم نیز اهمیتی پیدا می‌کند و اتفاقاً در لحن اشعار روایی یا شفاهیات تاریخی مردم این عصر، ظرایف دیدگاه‌های مردم به انقلاب مشروطه بیشتر آشکار می‌شود. یا در بررسی حکایات سلاطین معلوم می‌شود که تلقی کلی روایان روایات عامیانه از بخش‌های خاصی از تاریخ تفاوت‌هایی با واقعیت تاریخی دارد و همچنین در بررسی شرایط تاریخی - اجتماعی هر عصر، علل نگاه مثبت یا منفی روایان به حاکمان و سلاطین خاص روشن‌تر می‌شود.

با تمام اشتراکات و تفاوت‌های حکایات سلاطین و تاریخ‌های شفاهی، این دو در کار برنامه‌سازی برای رسانه اهمیتی خاصی پیدا می‌کنند. تاریخ شفاهی، بویژه در بررسی فرا‌هایی از تاریخ معاصر همچون حوادث مربوط به ظهور و افول رضا شاه، برآمدن محمدرضا شاه، کودتای ۲۸ مرداد، قیام ۱۵ خرداد و حوادث مربوط به انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از اهمیتی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. این مهم به خصوص در بخش بررسی اشعار و ترانه‌های عامیانه، زبانزدها و ضرب‌المثل‌های عامیانه مربوط به همان بخش تاریخی مورد نظر، از اهمیتی بیشتری برخوردار می‌شود. حکایات سلاطین نیز با توجه به

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۵۱

غناي روایي نهفته در آنها، می‌توانند در بخش‌های مختلف رسانه مورد استفاده قرار گیرند.

تاریخ شفاهی و حکایات سلاطین

منابع تاریخی بسیار متنوع‌اند؛ از کتاب‌های تاریخی گرفته تا سالنامه‌های رسمی، کتیبه‌ها و سکه‌ها که همه آنها می‌توانند در زمره منابع تاریخی محسوب شوند. تاریخ شفاهی روایات افراد مختلف (اعم از درگیر در حادثه، شاهد یا شنونده حادثه) از فرازهای تاریخی را شامل می‌شود. اغلب چنین پنداشته می‌شود که در بررسی تاریخ، مهم‌ترین تکیه‌گاه مورخ، کتاب‌های تاریخی است، اما همان‌گونه که عزیزالله بیات می‌گوید: به تدریج منابع دیگری همچون سلطانیات (نامه‌های زمامداران به یکدیگر)، دیوانیات (نامه‌های دستگاه‌های دولتی)، اخوانیات (نامه‌های دوستانه افراد عادی جامعه) و سجلات (مکتوبات، معاملات و روابط حقوقی مردم با یکدیگر) و تاریخ شفاهی (روایت راویان درباره حوادث و رویدادهای تاریخی) اهمیت فوق‌العاده خود را در روشن‌تر شدن بخش‌های تاریک تاریخ نشان دادند. (بیات، ۱۳۷۰: ۷)

اولریش مارزلف نیز بدون اشاره مستقیم به قصه‌های سلاطین، این بخش از حکایات را ذیل «قصه‌های به معنی اخص» و با عنوان قصه‌های مربوط به اولیا و شخصیت‌های تاریخی و ماجراهای باورنکردنی ذکر کرده است. (مارزلف، ۱۳۷۱: ۱۵۲)

کوباجی هم در کتاب «آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان» (کوباجی، ۱۳۶۲: ۱۴۰) با بررسی تاریخ اشکانیان و شاهنامه، این گونه به پیوند روایات شفاهی - که اساس تدوین نخستین شاهنامه قرار گرفته است - و تاریخ اشاره می‌کند: «فردوسی در حماسه بزرگش، هنگام برخورد با تاریخ دوران اشکانیان،

می‌گوید که از تاریخ این دوره، جز نام چند تن از شاهان چیزی در دسترس من نیست:

از ایشان به جز نام نشنیده‌ام نه در نامه خسروان دیده‌ام
با این حال، مورخان کارآزموده برآنند که بخش مهمی از تاریخ اشکانیان را می‌توان در شاهنامه بازجست و مورد پژوهش قرار داد. این بخش از تاریخ پارت‌ها در شاهنامه با رویدادهای افسانه‌ای دوران کیانیان درآمیخته است. در واقع با وجود بی‌میلی مورخان دوره ساسانی و گردآورندگان سنت‌های کهن شاهنشاهی ایران نسبت به تدوین و نگارش رویدادهای روزگار دشمنان پیشین خود، جدا نگاه داشتن حوادث این عهد از افسانه‌های کهن غیر ممکن بود.

نتیجه آنکه، شاهزادگان و شاهان پارتی چون گودرز، گیو و قارن به عنوان پهلوانان و سرداران روزگار کاووس و کیخسرو در پهنه حماسه ملی ایرانیان دیده می‌شوند و با بررسی داستان‌هایی که درباره ایشان آمده است، نظریه‌ای اجمالی در زمینه شناخت تاریخ دوره اشکانیان و پاره‌ای از رویدادهای آن به دست می‌آوریم.

ایران‌شناسانی چون مارکوارت، نولدکه و هرتسفلد، در آثار خود اشاره کرده‌اند که ممکن است رد پای برخی از حوادث تاریخی دوره پارت‌ها را در حماسه بزرگ فردوسی بیابیم و احتمال می‌رود که گودرز، پهلوان شاهنامه، همان گودرز یکم، فرمانروای اشکانی باشد (همان: ۱۴۱). پیوند تاریخ و افسانه‌ها و حکایات مربوط به سلاطین، در مورد حکایات مربوط به شخصیت‌های مختلفی از جمله اژی‌دهاک دیده می‌شود (همان: ۱۷۱). نظیر چنین پیوندهایی را می‌توان در کتاب‌های متعددی از جمله «جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات» سدیدالدین محمد عوفی، «تاریخ سیستان» (نویسنده ناشناس)، «تاریخ بیهقی» و آثار متعدد دیگر یافت. جعفر شعاع در مقدمه کتاب «جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات» (عوفی، ۱۳۷۴: ۴) در باب اهمیت تاریخی

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۵۳

کتاب مذکور چنین می‌نویسد: «قسمتی از جوامع‌الحکایات یعنی باب‌های چهارم و پنجم از قسم اول که در حدود یک‌ششم تمام کتاب است، اختصاص به بیان تاریخ دارد و شامل وقایعی است از آغاز آفرینش تا دوره خلفای بنی‌عبّاس و در ضمن آن تاریخ پیشدادیان، کیانیان، ظهور اسلام، خلفای راشدین و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس تا خلافت مستنصر (۶۲۳-۶۴۰ ه.ق) به شرح آمده است و از این نظر یکی از منابع تاریخی به‌شمار می‌رود.» اما تاریخ منحصر به این دو باب نیست، قسمت‌های دیگر کتاب نیز مشحون از نکات تاریخی است که برخی از آنها شاید در کتاب‌های دیگر نیامده باشد. در اینجا نمونه‌ای از این نکات را می‌آورم.

بنابر آنچه نوشته‌اند میان افشین و عبدالله طاهر کدورتی پدید آمده بود تا آنجا که این دو رقیب برای از میان بردن یکدیگر سخت می‌کوشیدند. از سوی دیگر گرفتاری بابک به دست افشین سبب شد که معتصم نسبت به افشین عنایت خاصی ابراز دارد و همین، رشک و کینه طاهریان را برانگیخت، چنانکه خواستند تا خلیفه را بر وی بدگمان کنند و تهمت نهادند که بابک با افشین در نهان سازگاری دارد. اما آیا واقعاً تهمت بود؟ چه دلیلی هست و دفع تهمت چه سان صورت گرفت، پاسخ آن در جوامع‌الحکایات است. عوفی می‌نویسد:

«معتصم که در حق افشین بدگمان شده بود خواست تا او را بیازماید. گفت: در باب بابک چه صواب می‌بینی؟ مصلحت نبینی که او را بگذاریم؟ چه او مردی زرنگ است و قوی و در کارهای جنگ و لشکرکشی نظیر ندارد. باشد که ما را از خدمت وی فراغی باشد. افشین گفت: یا امیرالمؤمنین، کافری که چندین خون مسلمان ریخته باشد چرا زنده باید گذاشت؟ معتصم چون این سخن بشنید، دانست که آنچه بدو رسانیده‌اند، دروغ است.» (همان: ۴)

قابلیت‌های رسانه‌ای فرازهایی از حکایات سلاطین و تاریخ شفاهی ایران

به نظر می‌رسد آنقدر که راویان حکایات و تاریخ شفاهی از شاه عباس و دوره صفوی گفته‌اند، از هیچ سلطان و دوره تاریخ دیگری سخن نگفته‌اند. با این حال افراد دیگری نیز موضوع روایات تاریخی یا حکایات شفاهی مردم

بوده‌اند؛ مانند: کورش، انوشیروان، اسکندر، تیمور لنگ، ملکشاه سلجوقی، شاه اسماعیل صفوی، کریم خان زند، ناصرالدین شاه، شداد،



شاهپور، اردشیر بابکان، سلطان محمود غزنوی، محمد خوارزمشاه، چنگیزخان، شاه سلطان حسین، فتحعلی شاه، ناپلئون، بهرام گور و ... اما اینکه تاریخ زندگی برخی از این سلاطین در روایات مردمی درخشان نشان داده می‌شود و برخی دیگر تاریک، علل متعددی دارد؛ شیوه مردم‌داری، فعالیت خاص سلاطین، وضعیت اقتصادی - سیاسی قبل و بعد یک سلطان و بالاخره وضعیت معیشتی و امنیتی زمان طرح روایت می‌توانند از جمله این علل محسوب شوند و البته در اقتباس رسانه‌ای، این عوامل باید در نظر گرفته شود. برای مثال، اگر تهیه‌کننده‌ای قرار است، یکی از این روایات تاریخی یا حکایات سلاطین را اساس تهیه فیلمی داستانی قرار دهد، لزوماً باید به عواملی که بر شمرده شد توجه کند، این امر بویژه در برنامه‌های رادیویی یا برنامه‌هایی که برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته می‌شود، از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که اصولاً حکایت را بیان واقع‌ای کوتاه دانسته‌اند که اغلب نزدیک به واقعیت است و در انواع فردی، اجتماعی و در حوزه‌های متفاوت سیاسی،

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۵۵

فرهنگی و اقتصادی مطرح می‌شود. در باب موضوعات سیاسی، حکایت‌ها به ذکر خصلت‌ها و خوی‌های پسندیده و ناپسند حاکمان و کارگزاران حکومت می‌پرداخته‌اند. به طور کلی در باب حکایت در حوزه سیاست باید گفت، حکایت ذکر قسمتی از تاریخ به صورت نظم یافته در مورد افراد مهم (حاکم) و غیرمهم و غیرسیاسی (غیرحاکم) است، با هدف فهم تاریخ، فهم شخصیت اصلی در حکایت، درس‌گیری برای امروز یا انتقاد غیر مستقیم از نظام سیاسی و ...

ذکر این حکایت‌ها در مجالس مختلف با اغراض و اهداف متفاوت بوده است. مثلاً اگر حکایت عدالت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام در قضاوت ذکر می‌شد، احتمالاً برای درس‌گیری از شیوه قضاوت حضرت یا انتقاد از نظام سیاسی یا قضاوتی بود که از این شیوه پیروی نمی‌کرد یا مثلاً اگر حکایت می‌شد که روزی کریم‌خان زند را شهبازی آوردند، گفت: این مرغ به چه کار آید؟ گفتند: شکار کبک و کبوتر می‌کند. گفت: چه می‌خورد؟ گفتند: روزی یک مرغ. گفت: رها کنید برود خودش بگیرد و خودش بخورد (سروش، ۱۳۴۴: ۷۳)، این حکایت نشانگر روحیه ویژه کریم‌خان است که به کار و تولید بها می‌داده است یا ذکر این نکته که حاکم باید این گونه باشد یا اینکه، هر چیزی را برای استفاده بردن از آن بخواهیم و اگر استفاده‌ای ندارد، زحمت بیهوده برایش نکشیم. (حسنی‌فر، ۱۳۸۶: ۲۵)

امروزه وقتی از تاریخ و حوادث جنگ هشت ساله عراق علیه ایران سخن به میان می‌آید، باید فرهنگ جبهه نیز در کنار سایر مسائل مورد توجه قرار گیرد. فرهنگ جبهه، زبانزدها و اصطلاحات خاصی دارد که می‌توان از آنها، برنامه‌هایی جذاب تولید کرد.

روایات مردمی از تاریخ دوره قاجار بویژه انقلاب مشروطه، یکی از راه‌های مطمئن شناخت تاریخ اجتماعی عصر مذکور محسوب می‌شود؛ زیرا «انقلاب

مشروطه و ادب عامه» «کنار گذاردن باورهایی که شاه را در عرش می‌نشانند و مردم را به مثابه ملک طلق او در فرش می‌پنداشت، آسان نبود. این مهم به یکباره نمی‌توانست به وقوع بپیوندد و شاید حبسیته‌ها نشانه‌ای از این تلاش‌ها باشد. از دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه، به‌خصوص در دوره انقلاب مشروطه این گفتمان بویژه در شهرهای بزرگی همچون تهران، رشت و تبریز، دچار دگرگونی عظیم شد و جالب آن است که ادبیات عامه نقش عمده‌ای را در این گذار ایفا نمود» (حنیف، ۱۳۸۶: ۸۶). نمونه این بخش از روایات عامه که امروزه بخشی از تاریخ شفاهی دوره قاجار محسوب می‌شود و به زیبایی می‌توان از آنها در رسانه ملی و ساخت برنامه‌های متنوع درباره انقلاب مشروطه سود جست، چنین است:



از بهر قلیان ناخوشم
برخیز و قلیان را بیار
با گوله و توپ و تفنگ
برخیز و قلیان را بیار
دنگی نزن توی گوشم

من خانم قلیان کشم
بنگر به رخت مشمشم
میرزا که داده حکم جنگ
مشدی و الدنگ و درنگ
فرنگی گفته من موشم

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۵۷

کیسه تنباکو به دوشم
میرم فرنگ و می فروشم
برخیز و قلیان را بیار

(پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۳۷۷)

قطعه فوق در جریان نهضت تنباکو و در عصر ناصرالدین شاه سروده شده است و کنت دوگوبینو که در عهد سلطنت ناصرالدین شاه به ایران آمده بود، می‌گوید: روزی شاه حکم می‌کند تصانیفی که مردم در حق وزرایش می‌خواندند، در مجلس شاهانه برایش خوانده شود. مضمون این تصنیف‌ها به قدری زنده است که در مملکت ما پلیس هرگز اجازه نمی‌دهد که چنین تصانیفی را مردم بخوانند. (آرین‌پور، ۱۳۸۲: ۱۵۸)

برخی از نمونه‌های تصانیف دوره مشروطه که امروزه دیگر بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ دوره مذکور محسوب می‌شود، می‌تواند برنامه‌ساز رسانه ملی را در امر برنامه‌سازی متنوع یاری برساند. برخی از این تصنیف‌ها عبارت‌اند از:

درباره مسعود میرزا ظل‌السلطان (برادر بزرگ مظفرالدین شاه) پس از خلع
ید:

گاری امیرزاده کو؟

جام پس از باده کو؟

آن بچه‌های ساده کو؟

شازده جان خوب کردی رفتی

قاچ زین بگیر نیفتی

کو اصفهان پایتخت من؟

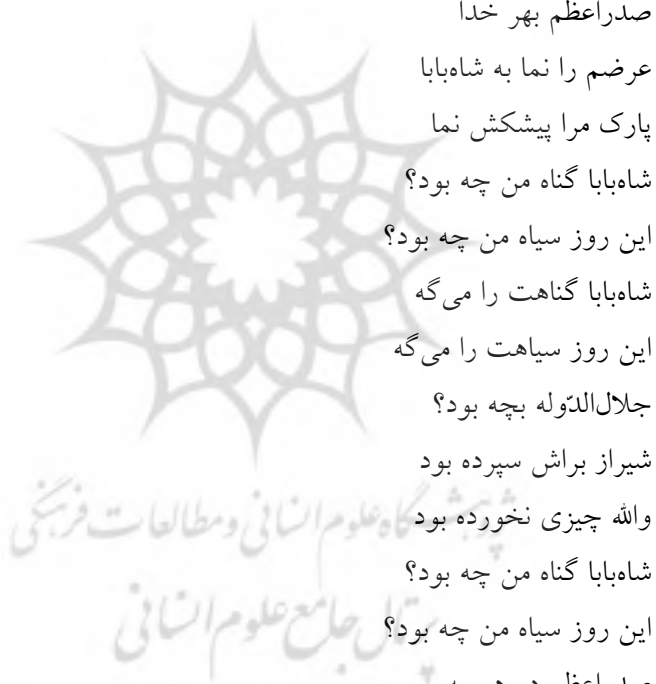
کو توپچی و کو تخت من؟

کو حکم‌های سخت من؟

ای خدا ببین این بخت من!

شاه‌بابا گناه من چه بود؟
این روز سیاه من چه بود؟
کو اصفهان، کو شیرازه؟
کو صارم‌الدوله پرنازه؟
کو توپچی و کو سربازه؟
شاه‌بابا گناه من چه بود؟
این روز سیاه من چه بود؟
صدراعظم بهر خدا
عرضم را نما به شاه‌بابا
پارک مرا پیشکش نما
شاه‌بابا گناه من چه بود؟
این روز سیاه من چه بود؟
شاه‌بابا گناهت را می‌گه
این روز سیاهت را می‌گه
جلال‌الدوله بچه بود؟
شیراز براش سپرده بود
والله چیزی نخورده بود
شاه‌بابا گناه من چه بود؟
این روز سیاه من چه بود؟
صدراعظم در هوسه
شیراز ازم گرفت بسه
مرغ دلم در قفسه
شاه‌بابا گناه من چه بود؟

این روز سیاه من چه بود؟ (همان: ۱۵۷)



گناه‌های مردم ایران و مطالعات فرهنگی
پاییز ۱۳۹۱
مجله علمی جامع علوم انسانی

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۵۹

تصنیف فوق که مطربان دوره‌گرد، آن را در کوی و برزن شهرهای بزرگ می‌خواندند، در واقع هم حکایت است و هم تاریخ. برنامه‌ساز رسانه ملی، بویژه در برنامه‌های تحلیلی، ادبی و تاریخی می‌تواند با تکیه بر مضامین و اصطلاحات چنین اشعاری یک روایت ساده تاریخی را جان ببخشد و حتی با یاری آهنگسازان، ضرباهنگ آن را استخراج کند و در برنامه‌های تولیدی از آن استفاده نماید.

بخشی دیگر از حکایات سلاطین و تاریخ شفاهی که می‌تواند در برنامه‌سازی (به شکل‌های مختلف و در قالب برنامه‌های ترکیبی و داستانی) استفاده شود، از این قرارند:

«شاخ اسکندر»: در این روایت که در بایگانی واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات نگهداری می‌شود، آرایشگری هنگام آرایش موهای اسکندر متوجه می‌شود که اسکندر شاخ دارد، اسکندر می‌خواهد او را بکشد، اما پس از التماس‌های آرایشگر منصرف می‌شود. وقتی این آرایشگر از اردوی اسکندر به شهر بازمی‌گردد، مردم که پیشتر می‌دیدند تمامی آرایشگران پس از اصلاح سر اسکندر کشته می‌شدند، از او علت را جویا می‌شوند. اما آرایشگر از ترس جان‌ش چیزی در این باره نمی‌گوید تا بالاخره روزی آرایشگر سر به بیابان می‌گذارد و سرش را داخل یک چاه می‌کند و فریاد می‌کشد: اسکندر شاخ دارد! چون آب این چاه به طرف زمین‌های نیشکر می‌رفته است، خیلی زود نیشکرها رشد می‌کنند و با هر بار وزیدن باد، نیشکرها همصدا فریاد می‌کشند: اسکندر شاخ دارد. مردم با شنیدن این آوا از زبان نیشکرها، ترسشان می‌ریزد و به طرف اسکندر حمله می‌کنند و او را می‌کشند. (وفایی، تبریز، ۱۳۵۵)

روایت فوق گرچه با واقعیات تاریخی همخوانی ندارد، اما اگر در قالب پویانمایی به نمایش درآید و به جای اسکندر، یک ظالم زورگو نشانده شود، می‌تواند اساس یک کارتون فانتزی نمادین قرار بگیرد.

«کریم خان زند و ظروف چینی»: کریم خان زند که خود را وکیل‌الرعیایا می‌خواند، روزی ظروف چینی و ظروف مسی را به زمین می‌اندازد و سپس رو به تاجر می‌گوید، برای مملکت من ظروف مسی مناسب‌تر است. (عبدلی، ملایر، ۱۳۵۵)

«مرده ناصرالدین شاه را می‌زنی؟»: در زمان ناصرالدین شاه عده‌ای بیکار و بی‌عار بودند. هر روز یکی از آنها به نوبت خود را به مردن می‌زد و رفقای دیگر دور او را می‌گرفتند و می‌گفتند: «این مرد بیچاره مرده و کسی را ندارد» و برای خرج کفن و دفن او پول جمع می‌کردند. مدت‌ها گذشت و این کار ادامه داشت و این عده از این راه کسب معاش می‌کردند تا اینکه روزی ناصرالدین شاه از آن مکان که یک نفر از آنها خود را به مردن زده بود، می‌گذشت. دید عده زیادی جمع شده‌اند. پرسید: چه خبر است؟ گفتند: یک نفر بیچاره بی‌خانمان مرده و کسی را ندارد. برای کفن و دفن او پول جمع می‌کنند. دستور داد: هر چه زودتر به خرج او، مرده را دفن کنند. مبلغ ده تومان هم به مرده شور داد. مرده را به گورستان بردند و کفن مهیا کردند و ده تومان هم حق شستشو به مرده‌شور دادند. چون مرده‌شور یک مرده دیگر هم داشت که بشوید، او را در خانه گذاشت و در را به روی او قفل کرد و برای شستن آن مرده رفت. شخصی که خود را به مردن زده بود، گرسنه و تشنه شد و وقت را غنیمت شمرد و دنبال لقمه‌ای نان بلند شد و دید مقداری نان و حلوا روی طاقچه است. نان و حلوا را خورد و دوباره سرجایش خوابید. اما چون سبیل داشت، مقداری حلوا به سبیل او مالیده شد.

مرده‌شور برگشت و دید نان و حلوا نیست. هر فکری کرد عقلش به جایی نرسید که آن نان و حلوا چطور شده است. مأیوس شد. رفت که مرده را برای شستشو آماده کند، سرپوش را که از روی مرده کنار زد، دید سبیل او حلوابی است. فهمید که خوردن نان و حلوا کار اوست. با چوب به جان او افتاد. مرده

قابلیت‌های بازآفرینی تاریخ شفاهی در قالب‌های مختلف تلویزیونی ❖ ۶۱

گفت: مگر خبر نداری من مرده ناصرالدین شاه هستم، مرده ناصرالدین شاه را می‌زنی؟ من به ناصرالدین شاه می‌گویم که تو آنقدر مرده را با چوب زدی که زنده شد. آن وقت تو چه جواب خواهی داد؟ مرده شور که از قضیه بی‌خبر بود، گفت: تو را به خدا قسم مبادا کتک زدن مرا به ناصرالدین شاه بگویی. وقتی آن مرد دید مرده شور نادان است، گفت: مگر آنکه ده تومانی را که گرفته‌ای، پس بدهی. غسل قبول کرد و مرد مقداری نان و حلوا و ده تومان پول از او گرفت و از غسلخانه خارج شد. (وکیلان، ۱۳۷۵: ۱۷۹)

این حکایت می‌تواند اساس طنز تصویری گزنده‌ای از وضعیت روحی مردم در دوره ناصرالدین شاه باشد. همچنین روان‌شناسی مردم، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و به طور کلی جامعه استبداد زده دوره ناصری را به تصویر می‌کشد.

جمع‌بندی

تاریخ شفاهی یکی از شیوه‌های پژوهش در تاریخ است که به شرح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی براساس دیدگاه‌ها، شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و فعالان آن ماجراها می‌پردازد. تاریخ شفاهی تغییرات بسیاری را در شیوه نگارش تاریخی و حتی تعاریف مربوط به آن ایجاد کرده، گاه رویدادها را کامل و گاه از منظری دیگر بیان کرده است. در گذشته، منابع مکتوب، شرایط اجتماعی و فرهنگی مردم را مدنظر قرار نمی‌دادند و این منابع تنها سرگذشت حاکمان و سلاطین را بیان می‌کردند. در اینجا تاریخ شفاهی به کمک تاریخ مکتوب می‌آید و باعث می‌شود فضا و شرایط حاکم، بهتر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

الف) کتاب

۱. آرزین پور، یحیی (۱۳۸۲) از صبا تا نیما، ج ۲، چ ۸، تهران: زوآر.
۲. بیات، عزیزالله (۱۳۷۰) کلیات تاریخ ایران، از آغاز تا مشروطیت، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی.
۳. بیهقی، [خواجه ابوالفضل محمد بن حسین] (۱۳۷۶) تاریخ بیهقی، با توضیحات منوچهر دانش پژوه، تهران: هیرمند.
۴. پناهی سمنانی، محمداحمد (۱۳۷۶) ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، تهران: سروش.
۵. سروش، احمد (۱۳۴۴) مجموعه لطایف، تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرف.
۶. عوفی، [سدیدالدین محمد] (۱۳۷۴) جوامع الحکایات و لوامع الروایات، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. کوباجی، ج.ک (۱۳۶۲) آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان، ترجمه جلیل دولتخواه، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۸. مارزلف، اولریش (۱۳۷۱) طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی، کیکاوس جهاننداری، تهران: سروش.
۹. وکیلان، احمد (۱۳۷۵) تمثیل و مثل، ج ۲، تهران: سروش.

ب) مقاله

۱. حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۶) «درآمدی بر سیاست در فرهنگ عامه» (فولکلور سیاسی)، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ش ۱۰.
۲. حنیف، محمد (۱۳۸۶) «انقلاب مشروطه و ادب عامه»، فصلنامه نجوای فرهنگ، ش ۳.

فرهنگیاران واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات

- وفایی، نازخانم، تبریز، آذربایجان شرقی، ۱۳۵۵/۱۱/۱۱
عبدلی، مراد، حسین‌آباد ملایر، همدان، ۱۳۵۵/۱/۲۰